

## الگوی ساختاری رابطه متغیرهای شخصیتی هگزاگو و شادکامی: بررسی

### نقش واسطه‌ای سبک‌های اسنادی

شهلا زمانی فروشانی<sup>۱</sup>، سارا علی فنواتی<sup>۱\*</sup>، زهرا نجفلوی ترکمانی<sup>۲</sup> و طیبه شریفی<sup>۳</sup>

#### چکیده

هدف این پژوهش بررسی اثر متغیرهای شخصیتی هگزاگو بر شادکامی با واسطه‌گری سبک‌های اسنادی می‌باشد. در این پژوهش متغیرهای شخصیتی هگزاگو به عنوان متغیر پیش‌بین شادکامی می‌باشد. سبک‌های اسنادی به عنوان متغیر میانجی رابطه بین متغیرهای پیش‌بین و وابسته در نظر گرفته شده است. ابزارهای پژوهش شامل پرسش‌نامه شخصیت هگزاگو، پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد و پرسش‌نامه سبک‌های اسنادی می‌باشد. بدین منظور داده‌ها از ۴۴۵ نفر از کارکنان یک شرکت صنعتی به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده گردآوری شده است. برای تحلیل داده‌ها از روش مدل‌یابی معادله‌های ساختاری با Amous 18 و Spss 18 استفاده شده است. اثرهای غیر مستقیم روابط با روش بوت استرپ مورد آزمون قرار گرفت و نتایج به دست آمده با استفاده از روش الگویابی معادله‌های ساختاری نشان داد که متغیرهای برون‌زای صداقت - فروتنی، برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی و تجربه‌پذیری اثر مستقیم معنادار و تهييج‌پذیری و هم‌سازی، اثر مستقیم غیر معنادار بر سبک‌های اسنادی دارند. هم‌چنین، نتایج نشان دادند که رابطه بین متغیرهای پیش‌بین (صداقت - فروتنی، برون‌گرایی، وظیفه‌شناسی و تجربه‌پذیری) با شادکامی از راه سبک‌های اسنادی میانجی‌گر شد.

واژه‌های کلیدی: متغیرهای شخصیتی هگزاگو، سبک‌های اسنادی، شادکامی.

1- دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی شهر کرد.

2- کارشناس ارشد روان‌شناسی صنعتی و سازمانی دانشگاه شهید چمران اهواز.

3- استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر کرد

\*- نویسنده مسئول مقاله: Alighanavatisara@yahoo.com

## پیشگفتار

شخصیت را می‌توان الگوهای اختصاصی و متمایز تفکر، هیجان و رفتار دانست که اسلوب شخصی تعامل با محیط فیزیکی و اجتماعی هر شخص را رقم می‌زند (Atkinson & Smith, 2000). یکی از نظریه‌های شخصیت که سعی در توجیه منش و خوی افراد با تمایل‌ها و گرایش‌های آنان دارد، دیدگاه گرایشی است، این دیدگاه بر این باور است که گرایش‌ها، ویژگی‌هایی هستند که افراد با خود حفظ می‌کنند، به خود آن‌ها تعلق دارند و جزیی از آن‌ها هستند. سه رویکرد منشعب شده از دیدگاه گرایشی شامل: رویکرد تیپ و خصیصه (صفت)، رویکرد نیازها و انگیزه‌ها، رویکرد زیست‌شناسی و خلق و خو می‌باشد. در رویکرد انگیزشی به شخصیت، این فرض وجود دارد که رفتار را به بهترین گونه می‌توان به منزله بازتاب مجموعه‌ای از نیازهای زیربنایی تصور کرد (Caver & Scheier, 2007). در رویکرد زیست‌شناسی و خلق و خوی، روان‌شناسان جنبه‌های زیستی و ذاتی شخصیت را خلق و خو نامیده‌اند. پاره‌ای از مطالعات طولی نشان می‌دهد، بین خلق و خوی کودک و ویژگی‌های بعدی شخصیتی او ارتباط وجود دارد. آلپورت بر این باور بود که صفات، واحدهای اصلی شخصیت‌اند. صفات واقعیت دارند و جایگاه آن‌ها در سیستم عصبی انسان قرار دارد. او بین صفات اصلی (آمادگی فراگیر و مشخص در زندگی فرد)، صفات محوری (با فراگیری کم‌تر از صفات اصلی) و صفات ثانویه (کم‌ترین فراگیری، همسانی و قابلیت مشاهده) تفاوت قایل شد (Pervin & John, 2002).

بر این اساس و تا سال 2000، مدل 5 عاملی شخصیت پرطرفدارترین بر اساسه‌بندی شخصیت شده بود. بر اساس مدل 5 عاملی، صفات شخصیتی عبارتند از: برون‌گرایی<sup>1</sup>، نورزگرایی<sup>2</sup>، وظیفه‌شناختی<sup>3</sup> هم‌سازی<sup>4</sup> و تجربه‌پذیری<sup>5</sup> اما پژوهشگران بیان کرده‌اند که این 5 عامل همه صفات را پوشش نمی‌دهد و فراتر از این 5 عامل صفات دیگری هم وجود دارند (Veselka, Vernon & Schermer, 2012). نخستین تغییر در مدل 5 عاملی افزایش عامل‌ها به عدد شش بود (Ashton, Lee & de Vries, 2014). تفاوت دیگر مربوط به محتوای عامل‌های هم‌سازی و پایداری هیجانی (معکوس نورزگرایی) است. بر اساس پژوهش‌های انجام شده، مدل هگزاگو<sup>6</sup> از ساختار شخصیت به عنوان مدل جدید شخصیت، مفهوم بندی شد که این عوامل را در بر می‌گیرند:

<sup>1</sup> - Extraversion

<sup>2</sup> - Neuroticism

<sup>3</sup> - Conscientiousness

<sup>4</sup> - Agreeableness

<sup>5</sup> - Openness to Experience

صداقت، فروتنی، تهییج‌پذیری، برون‌گرایی، هم‌سازی، وظیفه‌شناسی و تجربه‌پذیری. با وجود نام‌ها و محتوای مشترک هگزاکو با مدل 5 عاملی، عامل‌های هگزاکو با 5 عامل سنتی تفاوت‌هایی دارد. محتوای هم‌سازی و پایداری هیجانی در پنج عامل، چرخش دوباره کرده است و در عامل‌های صداقت، فروتنی، هم‌سازی و تهییج‌پذیری پراکنده شده است. هم‌چنین، عامل هم‌سازی هگزاکو تا حدودی با محتوای تحریک‌پذیری و تندمزاجی مشخص می‌شود که معمولاً در عامل پایداری هیجانی پنج عاملی جای دارد (Ashton & Lee, 2007).

سرانجام این که در بیش‌تر ویژگی‌های شخصیتی، چندین ژن و فرآیند چندگانه زیستی شامل انتقال‌دهنده‌های عصبی و هورمونی وجود دارد، اما احتمال این که رابطه‌ای ساده و یک‌سویه بین فرآیندهای زیستی و صفات شخصیت پیدا شود، بسیار کم است (Pervin & John, 1981).

عامل‌های شخصیتی تأثیری بسیار زیاد بر شادکامی دارند. بر اساس بسیاری از تئوری‌های هیجان شادکامی یکی از شش هیجان بزرگ یعنی تعجب، ترس، خشم، شادکامی، تنفر و نگرانی است. در ارتباط با شادکامی 2 دیدگاه اصلی وجود دارد: دیدگاه لذت‌گرایی که بر اساس اصول لذت‌گرایی موجودات زنده برانگیخته می‌شود که یا ناشی از تحریک دستگاه‌های حسی گوناگون (بینایی، شنوایی، چشایی، بویایی و لامسه) است و یا ناشی از بمباران حسی (برانگیختگی). بر اساس اصول لذت‌گرایی، احساس‌ها را می‌توان به صورت پیوستاری نمایش داد که عاطفه مثبت در یک انتها و عاطفه منفی در انتهای دیگر آن قرار دارد. شادی بالاترین سطح عاطفه مثبت است. شادی از نظر عصب‌شناختی به وسیله کاهش سریع شلیک عصبی، فعال می‌شود. رهایی از درد جسمی، رهایی از نگرانی‌ها، حل کردن مسئله‌ای دشوار و پیروز شدن در رقابتی اضطراب‌انگیز نمونه‌الگوی کاهش برانگیختگی عصب‌شناختی شادی است (Ruoo, 2007).

تفاوت‌های ژنتیکی در درون‌گرایان و برون‌گرایان ناشی از تفاوت‌های فیزیولوژیکی است، درون‌گراها در سطح کم‌تر تحریک، به سطح بهینه‌انگیختگی می‌رسند و از تحریک شدید دوری می‌کنند (Mirzaee & Hatami, 1389). این در حالی است که برون‌گراها در سطح بسیار تحریک به سطح بهینه‌انگیختگی می‌رسند، به بیان دیگر، سیستم فعال‌سازی رفتاری با برون‌گرایی در ارتباط است و رفتار گرایشی را در پی حضور پاداش از راه تحریک عاطفه مثبت تنظیم می‌کند. بر این اساس، افراد برون‌گرا به پاداش‌دهنده‌ها توجه دادند و به همین علت خود را مثبت می‌بینند (Taghilou et al, 1389). دنو و کوپر<sup>1</sup> (1998) بر این باورند که ویژگی‌هایی چون اعتماد، ثبات هیجانی به مکان کنترل، سخت‌رویی و عواطف مثبت، با شادکامی ارتباط مستقیم دارد. صفاتی از

<sup>1</sup> - Deneve & Cooper

شخصیت نظیر دلپذیر بودن و با وجدان بودن، تجربه‌های مثبت بیش تری را در انسان ایجاد می‌کند و فرد را در تطابق اجتماعی و کسب موفقیت همراهی می‌کند.

چنگ و فورنهام<sup>1</sup> (2003)، مطالعه‌ای مقایسه‌ای در ارتباط با شخصیت و شادکامی بین گروههایی از ژاپن، چین و بریتانیا انجام دادند که از نگاه آنان نیز بین برون‌گرایی، لذت خواهی و فعالیت اجتماعی با شادکامی الگوی مشترک همبستگی وجود دارد. هم چنین، تعداد بسیاری از پژوهش‌ها به ارتباط مثبت و معنی‌دار شادکامی با برون‌گرایی و روان‌رنجوری با افسردگی و خلق اشاره دارند (Lu & Shih, 1997, Williams, 1993).

حیدری و همکاران (1394) در پژوهشی به بررسی رابطه بین هوش معنوی و شادکامی به واسطه بهزیستی روان‌شناختی پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که معنویت ارتباطی مثبت با بهزیستی روانی دارد و به واسطه آن شادکامی را پیش‌بینی می‌کند.

از سوی دیگر، سبک‌های اسنادی به عنوان عواملی واسطه و میانجی در عرصه‌های رفتاری حضور داشته و تداوم و افول رفتارهای فرد را در عرصه‌های گوناگون تحت تأثیر قرار می‌دهند (Bandura, 1993). به این معنی که سبک‌های اسنادی درونی و بیرونی، قادرند نقش تسهیلی یا تعویقی بر ادراکات خودکارآمدی افراد داشته باشند. اسناد فرایندی است که از راه آن می‌توان در مورد علل درونی یا بیرونی رفتار خود و دیگران قضاوت کرد (Gross, 2000). در الگوی جدید درماندگی آموخته شده، چگونگی تبیین رویدادهای مهار ناپذیر به وسیله فرد، مهم‌تر از رویدادهایی است که برآستی رخ داده است. این تبیین‌ها تحت تأثیر سه بعد مهم منبع، تکرار و زمان قرار دارد: بعد درونی - بیرونی، بعد پایدار - ناپایدار و بعد کلی - اختصاصی. براساس این نوع رابطه، هنگامی که فرد شکست‌هایش را به عامل‌های درونی، پایدار و کلی اسناد دهد، از سبک اسناد بدبینانه و وقتی موفقیت‌هایش را به عامل‌های درونی، پایدار و کلی اسناد دهد، دارای سبک اسناد خوش‌بینانه است (Baron & Byrn, 1389).

در واقع، سبک اسناد یک متغیر شناختی است که چگونگی تبیین رویدادها را نشان می‌دهد. منطق اساسی نظریه اسناد از این فرض نظری ناشی می‌شود که آدمی واجد این انگیزش است که از ماهیت محیط خود بویژه از علل رویدادهای خاص آگاه شود. انسان اگر به فهم این نکته برسد که علت رویدادهای معین در گذشته چه بوده است، آنگاه قادر خواهد بود آنچه را که در آینده برای او رخ خواهد داد، مهار کند (Yazdanbakhsh, 2014).

از دیدگاه نظریه پردازان اسنادی، انسان گرایش به تعبیر و توجیه دنیای پیرامون خود با بهره‌گیری از سبک اسناد و فرایند اسناد علی دارد تا بتواند کنترل بیش تری بر آن داشته باشد

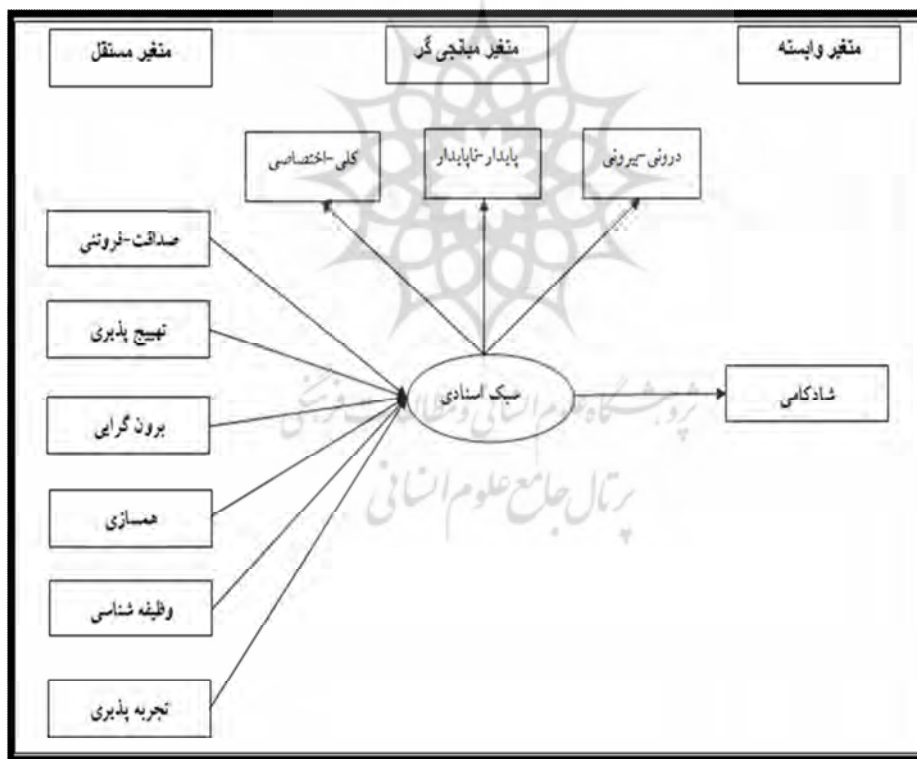
<sup>1</sup> - Cheng & Furnham

(Kardum, 2001). سبک اسناد شیوه‌ای است که فرد با آن به رویدادهای خوب و بد می‌نگرد (Corsini, 2002). به باور هایدن انسان‌ها دارای دو نوع اسناد اصلی یا شیوه تفسیر رفتار درونی و بیرونی هستند. در اسناد درونی، رفتار به ویژگی‌های فردی، علل درونی، پایدار و کلی، و در اسناد بیرونی به فشارهای اجتماعی و محیطی، علل بیرونی، ناپایدار و اختصاصی نسبت داده می‌شود. چرا که اسناد رفتارهای ناخوشایند و ناپسند به عوامل بیرونی سبب کاهش گناه (Harvey & Smits, 1997) و هم‌چنین، کاهش حس مسئولیت‌پذیری نسبت به عمل انجام شده در فرد می‌شود (Claes, Vertommen & Smits, 2009). از سوی دیگر، اسناد رویدادهای منفی به علل درونی، پایدار و کلی و اسناد رویدادهای مثبت به علل بیرونی، ناپایدار و اختصاصی نوعی شیوه اسناد ناسازگارانه است که مشکلاتی را برای افراد به همراه خواهد داشت (Pietersen & Seligman, 1984). بنابراین، تفسیرهای اسنادی در پذیرش مسئولیت اعمال خود یا انداختن مسئولیت به گردن دیگران نقش تعیین‌کننده‌ای دارند (Claes, 2009).

در خصوص رابطه بین سبک اسنادی در چهارچوب سازمان یافته الگوهای چند عاملی شخصیت تحقیقات اندکی انجام شده است. موسگرو، بروملی و دیلی<sup>1</sup> (1997)، به بررسی رابطه آکادمیکی سبک اسناد و سیاهه شخصیتی نمونه‌ای از دانشجویان کالج پرداختند. آن‌ها در نتایج خود تنها رابطه متوسطی بین سبک اسناد منفی با وجدانی بودن گزارش کردند. نتایج مطالعه پروپات<sup>2</sup> (2000)، نشان داد که ابعاد سبک اسناد مثبت با عوامل برون‌گرایی، مقبولیت و گشودگی به تجربه رابطه‌ای مثبت و ابعاد سبک اسناد منفی با عوامل وجدانی و ثبات هیجانی رابطه منفی دارند. بین سبک اسنادی مثبت با عوامل مقبولیت، برون‌گرایی و وظیفه‌شناسی رابطه مثبت و سبک اسناد منفی با عوامل ذکر شده رابطه منفی دارند. ضمن این که سبک اسناد مثبت با گشودگی به تجربه رابطه مثبت نشان داد اما سبک اسناد منفی رابطه معناداری با این عامل نداشت. کور و گری<sup>3</sup> (1996)، سبک اسناد را با پرسشنامه شخصیتی آیزنگ مورد بررسی قرار دادند، نتایج نشان داد که ابعاد سبک اسناد مثبت رابطه منفی با اضطراب و برون‌گرایی پایین، نوروزگرایی و روان‌پریشی بالا دارد، اما سبک اسناد مثبت رابطه معناداری با بعد برون‌گرایی داشت. نتایج بررسی میچل<sup>4</sup> (1989) در زمینه رابطه بین سبک اسناد با مقیاس شخصیت کامری نشان دادند که بین سبک اسناد مثبت با نظم و ترتیب، فعالیت، ثبات هیجانی و برون‌گرایی رابطه مثبت و بین سبک اسنادی منفی با ابعاد برون‌گرایی و ثبات هیجانی رابطه منفی وجود دارد.

مرور ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که ابعاد متفاوت سبک‌های اسنادی با سبک‌های شخصیتی مرتبط است. تا کنون همه بررسی‌ها بر اساس مدل 5 عاملی شخصیت بوده و با توجه به این که مدل هگزاگو نسبت به مدل 5 عاملی مدل کامل‌تری است، هدف این پژوهش بررسی ارتباط و تاثیر این متغیرهاست.

مسئله‌ای که در این جا مطرح می‌شود، این است که بیش تر مطالعات انجام شده در مورد عوامل موثر بر شادکامی، به بررسی ارتباط ساده دو یا چند متغیر پرداخته‌اند و در مجموع مطالعات اندکی درباره تاثیر ویژگی‌های شخصیتی (به ویژه مدل 6 عاملی شخصیت) بر مقدار شادکامی و بویژه با در نظر گرفتن سبک‌های اسنادی به عنوان متغیر میانجی انجام شده است. این پژوهش در پی آن است که مدلی را در تبیین شادکامی با در نظر گرفتن ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های اسنادی ارائه کند. مدل فرضی اولیه، مدل زیر است:



شکل ۱- مدل مفروض مورد آزمون.

همان گونه که در شکل ۱ نشان داده شده است، متغیرهای شخصیت به عنوان متغیرهای مستقل تلقی می‌شوند که با تأثیرگذاری بر سبک‌های اسنادی به عنوان متغیر میانجی گر بر شادکامی تأثیر می‌گذارند و آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند که هدف آزمون درستی و صحت مدل و هم چنین، فرضیه‌های تدوین شده در این راستا می‌باشد.

بدین ترتیب در این پژوهش پرسش اصلی این است که آیا مدل ترسیم شده در گروه نمونه، برازش دارد و این که اثرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیرها روی شادکامی چگونه است؟

### فرضیه پژوهش

متغیرهای شخصیتی هگزاکو با واسطه‌گری سبک‌های اسنادی، بر شادکامی تأثیر دارد.

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی کارکنان یک شرکت صنعتی در سال ۹۳ می‌باشند. در این پژوهش ۴۵۰ نفر از راه نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. از بین ۴۵۰ پرسش‌نامه توزیع شده جهت آزمون فرضیه‌ها تعداد ۴۴۵ پرسش‌نامه عودت داده شد. در نتیجه، نرخ بازگشت ۹۸ درصد می‌باشد. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۳۸ و ۳۳۸ نفر از شرکت‌کنندگان مرد و ۱۰۷ نفر زن بودند.

### ابزارهای پژوهش

پرسش‌نامه شخصیت هگزاکو (HxeAco-60)

برای سنجش علل‌های ۶ گانه هگزاکو از نسخه ۶۰ گویه‌ای پرسش‌نامه خود گزارشی هگزاکو استفاده شده است.

همسانی درونی عامل‌های صداقت، فروتنی (شامل چهار سطح صداقت<sup>۱</sup>، انصاف<sup>۲</sup>، پرهیز از حرص<sup>۳</sup> و فروتنی<sup>۴</sup>)، تهییج‌پذیری (شامل چهار سطح: احساساتی بودن<sup>۵</sup>، ترسویی<sup>۶</sup>، وابستگی<sup>۷</sup> و

1-Sincerity

2-Fairness

3-Greed a Voidance

4 - Modesly

5- Sentimentality

6- Fearfulness

7- Dependence

اضطراب<sup>۱</sup>، برون گرایی (شامل 4 سطح: حرمت خود اجتماعی<sup>۲</sup> و جسارت اجتماعی<sup>۳</sup>، مردم آمیزی<sup>۴</sup> و سرزندگی<sup>۵</sup>)، هم سازی (شامل چهار سطح: گذشت<sup>۶</sup>، ملاحظت<sup>۷</sup>، انعطاف پذیر<sup>۸</sup> و بردباری<sup>۹</sup>)، وظیفه شناسی (شامل چهار سطح: سازمان یافتگی<sup>۱۰</sup>، پشتکار<sup>۱۱</sup>، کمالگرایی<sup>۱۲</sup> و احتیاط<sup>۱۳</sup>) و تجربه پذیری (شامل چهار سطح: تقدیر از زیبایی<sup>۱۴</sup>، جستجوگری<sup>۱۵</sup>، خلاقیت<sup>۱۶</sup> و غیر عرفی بودن<sup>۱۷</sup>) با روش الفای کرونباخ در نمونه‌ای از دانشجویان از 0/77 تا 0/8 گزارش شده است (Ashton & Lee, 2009).

در ایران پالاهنگ، نشاط دوست و مولوی (1388)، ساختار عاملی نسخه بلند این پرسش نامه را تایید کردند. هم چنین، آقابابایی (1391)، ساختار 6 عاملی نسخه هگزاگوفارلی هگزاگو-60 را تایید کرد. همسانی درونی عامل های این پرسش نامه از 0/6 تا 0/75 بدست آمده است (Aghababaei, 1391). روایی همگرایی نسخه فارسی هگزاگو - 60 با 5 عامل بزرگ شخصیت تایید شده است (Aghababaei, 2012). نمره گذاری و پاسخ دهی به گویه‌ها، مطابق نسخه اصلی پرسش نامه (Ashton & Lee, 2009) انجام گرفت. شرکت کنندگان به یک مقیاس 5 درجه‌ای پاسخ می‌دهند و محاسبه میانگین برای هر عامل، دامنه نمره هر عامل از 1 تا 5 خواهد بود.

- 
- 1- Anxiety
  - 2- Social Self - Steem
  - 3- Socral Boldness
  - 4- Sociability
  - 5- Live Lines
  - 6- Forgiveness
  - 7- Gentleness
  - 8- Flexibility
  - 9- Patience
  - 10- Organization
  - 11- Diligence
  - 12- Perfectionism
  - 13- Prudence
  - 14- Aesthetic appreciation
  - 15- Inquistiveness
  - 16- Creativity
  - 17- Unconventionality



### پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد (OHQ)

پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد<sup>۱</sup> به وسیله آرگیل<sup>۲</sup>، مارتین<sup>۳</sup> و کراسلند<sup>۴</sup> تهیه شد و در سال ۱۹۹۸ مورد تجدید نظر قرار گرفت. این پرسش‌نامه شامل ۲۹ گویه چهار گزینه‌ای است. به این ترتیب که در هر گویه عبارت به گونه‌ای درجه‌بندی شده‌اند که هر جمله نسبت به جمله پیشین بیانگر درجه بیش تری از شادی است. برای نمره گذاری پرسش‌نامه نیز هر گویه که بیانگر بیش‌ترین شادی بود، نمره ۳ و عبارتی که بیانگر نبود شادی بود نمره ۰ می‌گرفت برای مثال:

(الف) از هیچ چیز زندگی راضی نیستم.

(ب) از برخی چیزها در زندگی راضی هستم.

(ج) از خیلی چیزهای زندگی راضی هستم و از تمام زندگیم راضیم.

بمنظور تشخیص روایی و پایایی پرسش‌نامه بالا، پژوهش‌جوکار و سپهری (۱۳۸۵) قابل بیان است. هادی نژاد و زارعی (۱۳۸۸) برای شاخص کل (OHQ) در مرحله آزمون ۰/۸۴ و در مرحله آزمون دوباره ۰/۸۷ ارزیابی کردند. در این پرسش‌نامه بالاترین نمره شادکامی ۸۷ و پایین‌ترین نمره صفر است. آرگیل و همکاران (۱۹۹۸) ضریب پایایی این مقیاس را به روش بازآزمایی ۰/۷۸ و از راه آلفای کرونباخ ضریب پایایی را ۰/۹ گزارش کرده است.

### پرسش‌نامه سبک‌های اسنادی (ASQ)

پرسش‌نامه سبک‌های اسنادی<sup>۵</sup> ابزار خودگزارش دهی است و نخستین بار برای اندازه‌گیری اسنادهای افراد برای رویدادهای کنترل‌ناپذیر به وسیله پیترسون و سلیگمن (۱۹۸۴) به نقل از سلیمانی نژاد (۱۳۸۱) ساخته شد. پرسش‌نامه سبک اسنادی دربرگیرنده دوازده موقعیت فرضی (شش رویداد خوب و شش رویداد بد) است. برای هر رویداد چهار پرسش مطرح شده است. نخستین پرسش که درباره مهم‌ترین علت این رویداد است، اگرچه در نمره گذاری بکار برده نمی‌شود، اما ضروری است تا آزمودنی به سه پرسش بعد بر حسب موردهای زیر پاسخ دهد. این موردها شامل درونی یا بیرونی، پایدار (بائبات) یا ناپایدار (بی ثبات) و کلی یا اختصاصی بودن رویداد می‌باشد. نمره‌ها را می‌توان برای هر یک از سه بعد یادشده در نظر گرفت. برای نمونه بعد درونی - بیرونی از مجموع نمره‌های پرسش نخست بدست می‌آید. اگر فردی در موقعیت‌های

<sup>۱</sup>-Oxford Happiness Questionnaire

<sup>۲</sup>- Argyle

<sup>۳</sup>-Martin

<sup>۴</sup>-Crossland

<sup>۵</sup>-Attributional Style Questionnaire

موفقیت و پرسش نخست نمره های 2,3,4,5,6، را علامت زده باشد، نمره بعد درونی - بیرونی این فرد در موقعیت موفقیت مجموع این اعداد تقسیم بر شش می باشد. به همین ترتیب، در ابعاد دیگر و موقعیت شکست، نمره ها محاسبه می شوند. بریج (2001)، برای پرسش نامه سبک اسنادی، ضریب آلفای کرونباخ 0/8 را گزارش کرده است. سلیمانی نژاد (1381) آلفای کرونباخ برای کل پرسش های پرسش نامه را، 0/74 گزارش کرد.

### روش های تجزیه و تحلیل داده ها

در این پژوهش بمنظور تجزیه و تحلیل داده ها از روش آمار توصیفی مانند میانگین، انحراف معیار، ضریب همبستگی ساده، استفاده شده است و تحلیل های پیچیده تر با استفاده از الگویی معادله های ساختاری (SEM) انجام شده است.

### یافته های پژوهش

#### بخش نخست: یافته های توصیفی

داده های توصیفی هم چون، میانگین و انحراف معیار نمره های کسب شده مربوط به تمامی متغیرهای پژوهش در جدول 1 آمده است.

جدول 1- یافته های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش برای کل شرکت کنندگان.

متغیرهای پژوهش	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	میانگین	انحراف معیار
۱ صداقت - فروتنی	۱							۵۲/۱۲	۰/۵۴
۲ تهییج پذیری	۰/۳۵	۱						۵۲/۴۷	۲/۳۶
۳ برون گرایی	۰/۳۶۹	۰/۳۰۳	۱					۵۰/۴۳	۱/۴۳
۴ هم سازی	۰/۲۸۷	۰/۳۱۴	۰/۳۲۳	۱				۵۰/۱۵	۰/۵۵
۵ وظیفه شناسی	۰/۴۱۸	۰/۲۰۱	۰/۳۸۹	۰/۳۱۲	۱			۵۴/۵۱	۰/۶۰
۶ تجربه پذیری	۰/۳۴۱	۰/۲۶۵	۰/۳۳۸	۰/۳۱۲	۰/۳۱۱	۱		۴۴/۷۶	۰/۵۵

## ادامه جدول ۱

۰/۷۵	۲/۰۱		۱	۰/۴۲۱	۰/۳۸۹	۰/۱۹۶	۰/۴۱۷	۰/۱۲۶	۰/۴۰۸	۷ سبک بیرونی - درونی
۰/۵۵	۱/۷۱		۱	۰/۳۸۷	۰/۳۹۶	۰/۴۰۸	۰/۱۱۳	۰/۴۰۲	۰/۱۸۴	۸ سبک کلی - اختصاصی
۰/۷۲	۱/۸۹		۱	۰/۳۸۱	۰/۴۰۳	۰/۴۱۰	۰/۳۸۸	۰/۱۷۶	۰/۳۹۰	۹ سبک پایدار - ناپایدار
۱۵/۹۷	۵۵/۳۳	۱	۰/۴۱۰	۰/۴۲۱	۰/۴۷۱	۰/۴۰۱	۰/۴۴۰	۰/۱۹۸	۰/۴۵۱	۱۰ شادکامی

سطح معنی داری کم تر از ۰/۰۵

بخش دوم: یافته‌های مربوط به فرضیه‌ها

همان‌گونه که شاخص‌های برازش نشان می‌دهد الگوی پیشنهادی برازش خوبی داشت.

شاخص‌های برازش مدل پیشنهادی در این پژوهش

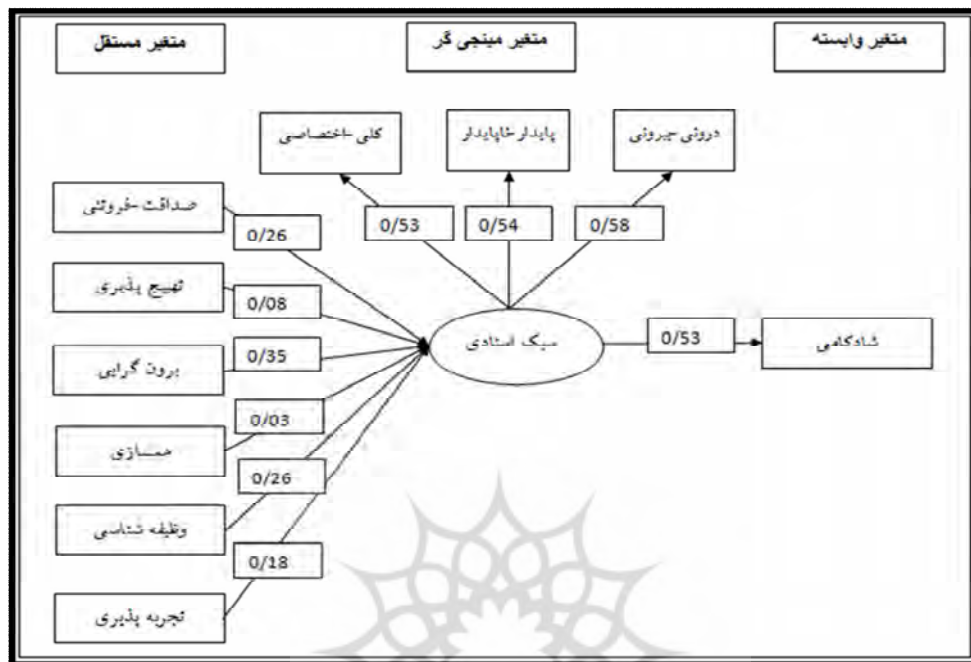
RMSEA=0/054, IFI=0/979, GFI=0/986, TLI=0/931, DF=14,  $X^2/DF=2/286$

برای بررسی روابط میانجی‌گر و تعیین معنی‌داری آن از روش بوت استراپ استفاده شد.

شکل 2 ضرایب مسیر متغیرهای مربوط در پژوهش را نشان می‌دهد. تمام مسیرها بجز مسیر هم

سازی و تهییج‌پذیری به سبک‌های اسنادی در سطح 0/01 معنادار می‌باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۲- ضرایب مسیر مدل پیشنهادی در پژوهش.

### یافته‌های مربوط به اثرهای مستقیم

نتایج اثرهای روابط مستقیم و معنادار مرتبط با آن‌ها در جدول ۲ نشان داده شده است.

معناداری	$\beta$	مسیرهای مستقیم
۰/۰۵	۰/۲۶	صداقت-فروتنی بر سبک اسنادی
۰/۰۵	۰/۱۳	صداقت-فروتنی بر شادکامی
۰/۱	۰/۰۸	تهییج پذیری بر سبک اسنادی
۰/۱	۰/۰۵	تهییج پذیری بر شادکامی
۰/۰۵	۰/۳۵	برون گرایی بر سبک اسنادی
۰/۰۵	۰/۱۶۵	برون گرایی بر شادکامی
۰/۱	۰/۰۳	هم سازی بر سبک اسنادی
۰/۱	۰/۰۱۲	هم سازی بر شادکامی
۰/۰۵	۰/۲۶	وظیفه شناسی بر سبک اسنادی
۰/۰۵	۰/۱۴	وظیفه شناسی بر شادکامی
۰/۰۵	۰/۱۸	تجربه پذیری بر سبک اسنادی
۰/۰۵	۰/۱۰۳	تجربه پذیری بر شادکامی
۰/۰۵	۰/۵۳	سبک اسنادی بر شادکامی

## یافته‌های مربوط به اثرهای غیرمستقیم

نتایج بوت استرپ روابط وابسته‌ای در جدول 3 نشان داده شده است. ضریب معناداری 0/05 در نظر گرفته شده است.

جدول ۳- نتایج بوت استرپ روابط غیرمستقیم.

متغیر	اثر غیرمستقیم	معناداری	خطای استاندارد	حد پایین	حد بالا
صداقت-فروتنی	0/156	0/05	0/052	0/062	0/226
تهییج‌پذیری	0/023	0/10	0/061	-0/073	0/027
برون‌گرایی	0/176	0/05	0/035	0/076	0/231
هم‌سازی	0/017	0/106	0/067	-0/097	0/020
وظیفه‌شناسی	0/156	0/05	0/052	0/062	0/226
تجربه‌پذیری	0/110	0/001	0/041	0/039	0/192

1. صداقت - فروتنی از راه سبک اسنادی بر شادکامی اثر (غیرمستقیم) دارد. بر اساس جدول 3 صداقت - فروتنی از راه شادکامی تأثیری مثبت بر شادکامی دارد ( $\beta = 0/156$ ) که این مقدار در محدوده 0/05 معنادار است.
2. تهییج‌پذیری از راه سبک اسنادی بر شادکامی اثر (غیرمستقیم) دارد. بر اساس جدول 3 تهییج‌پذیری از راه سبک اسنادی بر شادکامی تأثیر غیرمستقیم ندارد ( $\beta = 0/023$ ) که این مقدار در محدوده 0/05 معنادار نمی‌باشد.
3. برون‌گرایی از راه سبک اسنادی بر شادکامی اثر (غیرمستقیم) دارد. بر اساس جدول 3 برون‌گرایی از راه سبک‌های اسنادی تأثیر مثبت بر شادکامی دارد ( $\beta = 0/176$ ) که این مقدار در محدوده 0/05 معنادار می‌باشد.
4. هم‌سازی از راه سبک اسنادی بر شادکامی اثر (غیرمستقیم) دارد. بر اساس جدول 3 هم‌سازی از راه سبک اسنادی بر شادکامی تأثیر غیرمستقیم ندارد ( $\beta = 0/017$ ) که این مقدار در محدوده 0/05 معنادار نمی‌باشد.
5. وظیفه‌شناسی از راه سبک اسنادی بر شادکامی اثر (غیرمستقیم) دارد. بر اساس جدول 3 وظیفه‌شناسی از راه شادکامی تأثیر مثبت بر شادکامی دارد ( $\beta = 0/156$ ) که این مقدار در محدوده 0/05 معنادار می‌باشد.
6. تجربه‌پذیری از راه سبک اسنادی بر شادکامی اثر (غیرمستقیم) دارد.

بر اساس جدول 3 تجربه‌پذیری از راه شادکامی تأثیر مثبت بر شادکامی دارد ( $\beta = 0/110$ ) که این مقدار در محدوده 0/05 معنادار می‌باشد.

### تبیین یافته‌های پژوهش

شادکامی از اجزای شناختی، عاطفی، هیجانی و اجتماعی تشکیل یافته است که جزء شناختی آن نوعی از تفکر و پردازش داده هاست که منجر به خوش بینی می‌شود، جزء عاطفی و هیجانی آن شامل برخورداری از خلق مثبت و شاد است و جزء اجتماعی، بیانگر گسترش روابط با دیگران و در پی آن افزایش حمایت اجتماعی است. پژوهشگران نشان داده‌اند که افراد می‌توانند هیجان‌های خود را از راه افکارشان شدید و ضعیف یا مثبت و منفی کنند و بدین ترتیب شادمانی یا غمگینی را تجربه کنند، در واقع، مردم قادرند از راه کنترل افکارشان، خوشبختی ذهنی شادکامی را افزایش دهند (Myers, 2000).

یکی از عامل‌های تأثیرگذار بر شادکامی، ویژگی‌های شخصیتی است. دانشمندان درباره تأثیر شخصیت بر مقدار شادکامی مطالعات زیادی انجام داده‌اند که همگی رابطه مثبت برون‌گرایی با شادکامی را تایید می‌کنند (کاستا و نوریس<sup>1</sup>، 1981، به نقل از میرشاه، عابدی و دریکوندی، 1381). افزون بر این، هنگامی که مردم می‌کوشند یک موقعیت را درک کنند، تبیینات آن‌ها با تفکر، احساس و رفتارشان رابطه برقرار می‌کند. بنابراین، سبک تبیینی توصیفی است که انسان برای تبیین رویدادهای زندگی استفاده می‌کند و تفاوت‌های فردی را در سه گستره (درونی - بیرونی)، (پایدار - ناپایدار) و (کلی - اختصاصی) بازتاب می‌کند.

به باور وینر<sup>2</sup> (1986، به نقل از آرین، 1391) بین شیوه‌های اسنادی، عواطف و رفتار یک توالی منطقی وجود دارد، به این معنا که اسنادها عواطف را تعیین می‌کنند و عواطف نیز بر رفتار تأثیر می‌گذارند. در واقع، اسنادها به ما می‌گویند چه چیزی احساس کنیم و احساسات به ما می‌گویند چه واکنشی انجام دهیم. با توجه به این که هر شخص از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است، هم ویژگی‌های شخصیتی و هم نوع اسنادها، می‌توانند در تعیین شادکامی فرد موثر باشند. در این پژوهش ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی هگزاگو با احساس شادکامی و میانجی‌گری سبک‌های اسنادی در کارکنان یک شرکت صنعتی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان دادند که برون‌گرایی نیرومندترین همبسته و پیش‌بینی‌کننده شادکامی است. عامل برون‌گرایی شامل مقیاس‌های عزت نفس اجتماعی، جسارت اجتماعی، معاشرت‌پذیری و سرزندگی می‌باشد. بر اساس

<sup>1</sup> - Costa & Noris

<sup>2</sup> - Wiener

مطالعات افراد برون‌گرا دارای سبک‌های اسنادی بیرونی و ناپایدارند (Mirzaei & Hatami, 1389) و این سبک‌های اسنادی بر اساس نتایج این پژوهش می‌تواند نقش میانجی‌گر را در شادکامی افراد برون‌گرا داشته باشد. نتایج پژوهش‌های گوناگون نیز این یافته را تایید می‌کند. برون‌گرایی بهترین پیش‌بینی‌کننده شادکامی است و برخی صاحب‌نظران شادکامی را چنین تعریف کرده‌اند: شادکامی چیزی نیست به‌جز برون‌گرایی پایدار (فرانسیس<sup>1</sup>، 1999، به نقل از گودرزی و حمایت طلب، 1386) در این پژوهش تهییج‌پذیری و هم‌سازی رابطه‌ای معنی‌دار با شادکامی نداشتند. تهییج‌پذیری هم شامل ویژگی‌هایی است که از نظر اجتماعی پسندیده است مانند احساساتی بودن و هم‌ویژگی‌هایی که جامعه پسند نیست مانند اضطراب (Ashton & Lee, 2007)، از سوی دیگر، افراد تهییج‌پذیر ترجیح می‌دهند مدام فعالیت‌های خود را تغییر دهند و از راه تجربه‌های مهیج‌انگیز خود را افزایش دهند، کانال تلویزیون را مدام عوض کنند، شریک جنسی خود را عوض کنند و مواردی این چنین (Zuckerman, 1994). با توجه به نبود ثبات در ویژگی‌های افراد تهییج‌پذیر و نبود ثبات در فعالیت‌های آن‌ها و نوع فعالیت‌هایشان می‌توان این‌گونه توضیح داد که در شادکامی و رضایت این افراد سبک‌های اسنادی نمی‌تواند تاثیرگذار باشد و صرفاً فقط انگیزتگی است که برای این افراد رضایت را در پی دارد. هایز و جوزف<sup>2</sup> (2002)، بر این باور است که هیجان‌های منفی است که منجر به زود‌انگیزتگی می‌شود و افرادی که در پی زود‌انگیزتگی هستند، روی هم رفته، هیجان‌های مثبت را زیاد تجربه نمی‌کنند. در رابطه با هم‌سازی نتایج بدست آمده بر خلاف یافته هایز و جوزف (2002) می‌باشد، آن‌ها هم‌سازی را مبتنی بر نوع‌دوستی، ابراز همدردی و علاقمندی به کمک و یاری رساندن به دیگران بیان کردند و این ویژگی با احساس شادکامی ارتباط دارد، ولی در میانجی‌گری سبک‌های اسنادی با شخصیت همساز و شادکامی مطالعات زیادی انجام نگرفته است. در این پژوهش نتایج نشان می‌دهند که در ارتباط بین ویژگی شخصیتی همساز و شادکامی، میانجی‌گری سبک‌های اسنادی معنا‌دار نیست، ولی تعمیم این نتیجه به پژوهش‌های بیش‌تری نیاز دارد.

ویژگی‌های شخصیتی قابل‌تغییر و دستکاری‌نیستند، اما سبک‌های اسنادی از راه آموزش قابل‌تغییرند بنابراین، پیشنهاد می‌شود در مراکز آموزشی و تربیتی ضمن آموزش و بهینه‌سازی سبک‌های اسنادی بتوانیم تغییراتی را در سطح شادکامی افراد ایجاد کنیم. هم‌چنین، ضرورت بررسی‌های طولی در گروه‌های سنی و فرهنگی گوناگون و با استفاده از ابزارهای پژوهشی دیگر مطرح است.

<sup>1</sup>-Francis

<sup>2</sup>-Hyes & Joseph

### References

- Aghababaei, N. (2012). The relationship between honesty and humility of character, religion and subjective well-being, *Journal of Psychology and Religion*, 19, 20-45.
- Ahangaran, Z. (2008). Study the relationship between stress and personality factors and hypochondriasis in Imam Khomeini International University, Master's thesis, Imam Khomeini International University. [Persian].
- Argyle, M., Martin, M., & Crosslad, J. (1998). Happiness as a function of personality and social encounters. In J. P. Forgas & J. M. Innes (Eds), *Recent advances in social psychology: an international perspective* (pp. 189-203).
- Arian, Kh. (2011). The relationship between attribution styles and happiness in the Yazd city girls (aged 14-18 years), Master's thesis, Faculty of Education and psychology, Allameh Tabatabaei University.
- Ashton, M. C., & Lee, K. (2007). Empirical, HEXACO model of personality structure. *Personality and Social Psychology Review*, 11, 150-166.
- Ashton, M. C., & Lee, K. (2009). The HEXACO-60: A short measure of the major dimensions of personality. *Journal of Personality Assessment*, 91, 340-345.
- Ashton, M. C., Lee, K., & De Vries, R. E. (2014). The HEXACO Honesty-Humility, Agreeableness, and Emotionality factors: A review of research and theory. *Personality and Social Psychology Review*, 18, 139-152.
- Atkinson, R. L., Atkinson, R. C., Smith, E. O., Daryl, C., & Hvkmsa, S. N. (2000). *Hylgard psychology*. Translated by Mohammad Naghi Baraheni, Birashk, Mehrdad Beik, Reza Zamani, Saeed Shamloo, M Shahraray, Yousef Karimi, Nissan Gahan, M. Mohiuddin and K Hashemian (2005) Tehran: Publications Roshd.
- Bandura, A. (1993). Perceived self- efficacy in cognitive development and functioning. *Educational psychologist*, 28, 117-148.
- Baron, E., Byrne, D., & Brnskamp, N. (2010). *Social psychology*. Translation Yousef Karimi (2009), third edition, Tehran: Ravan Publisher. [Persian].
- Bridges, K. R. (2001) Using attributional style to predict academic performance: How does it compare to traditional methods? *Personality and individual differences*, 31, 723- 773.
- Carver, Ch., & Scheier, M. F. (2007). *Personality theory*. Translated by Ahmad R. (2008), Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Cheng, H. & Furnham, A. (2003). Personality, self-esteem, and demographic predictions of happiness and depression. *Personality and Individual Differences*. 34(6), 113-117.
- Claes L, Vertommen S, Smits D, & Bijttebier P. (2009). Emotional reactivity and self-regulation in relation to personality disorders. *Personality and Individual Differences*; 47(8): 48-53.



- Corr P.J., & Gray J.A. (1996). Structure and validity of the Attributional Style Questionnaire: A cross-sample comparison. *J Psychol*;130(6): 645-57.
- Corsini R.J. (2002). *The dictionary of psychology*: Psychology Press; 23(4):36-42
- Dehghan M. (2011). *Capital development in Moral identity: role of mediation of Self-regulation*. Tehran: Tehran University;. [Persian]
- Deneve, K. & Cooper, H. (1998). *The Happy Personality: A Meta-Analysis of 137 Personality Traits and Subjective Well-Being*. *Psychological Bulletin*. 124(2), 197-229.
- Franken, R. (1988). *Motivation and excitement*. Translated by Hassan Shams Esfandabad, Gholam Reza Mahmoudi, Susan Emamipoor (2005), Tehran. [Persian].
- Goudarzi, M., & Hemayattalab, R. (2007). *Compare between athletes in individual and team factors related to happiness* Tehran University. *Research in Sport Sciences*.15,57-66. [Persian].
- Gross, R. (2002). *Psychology: The science of mind and Behavior*. (4th ed). London: Holder and Stoughton. *Journal of Personality and Social Psychology*, 31, 430-441.
- Hadinejad, H., & Zareei, F. (2009). *Reliability, validity, and Normalization of the Oxford Happiness Questionnaire*. *Journal of psychological research*.12,62-70. [Persian].
- Harvey, J.H., Smith, W.P.( 1977) *Social psychology: An attributional approach*: CV Mosby.
- Hayes, N. & Joseph, S. (2002). *Big 5 correlates of 3 measures of subjective well-being*. *Journal of Personality and Individual Differences*, 31(13), 25-42.
- Heidari, A., Kouroshnia, M., & Hoseini, M. (2015). *The relationship between spiritual intelligence and happiness due to psychological well-being*. *Methods and psychological models journal*.6,21.,73-86.
- Jokar, B., & Sepehri, S. (2006). *The relationship between happiness and selective manner*. *Psychological studies*. Faculty of Education and Psychology, University of Al-Zahra.3.125-138. [Persian].
- Kardum, I., & Krapić, N. (2001). *Personality traits, stressful life events, and coping styles in early adolescence*. *Pers Indiv Diff*. ;30(3):503-15.
- Lawrence, A.P., & Oliver, J. (2000). *Personality psychology theory and research*. Translation: Javadi and Mohammad Parvin Kadivar (2002), Tehran: Publication Ayeesh.
- Lu, L & Shih, B. (1997). *Personality and happiness: Is mental health a mediator* *Personality and Individual Differences*. *Health Psychology*, 22 (2), 249-256

- Mirshahjafari, E., Abedi, M.R., & Darikvandi, H. (2002). Happiness and its determinants. *Journal of Cognitive Science*.3,50-58. [Persian].
- Mirzae, F., & Hatami, H.R. (2010). The relationship between personality traits and happiness in students. *Journal of Thought and Behavior*.5,17.47-56. [Persian].
- Mitchell, J.V. (1998) Personality correlates of attributional style. *J Psychol*; 23(5): 47-63.
- Musgrave-Marquart, D., Bromley, S.P., & Dalley, M.B. (1997). Personality, academic attribution, and substance use as predictors of academic achievement in college students. *J Soc Behav Pers*, 32(8):118-130.
- Myers, D. G. (2000). The Friends and Faith of Happy people, *American Psychologist*, 55(1),56-57.
- Nouri, R. (1993). Evaluation cognitive vulnerability-stress model of depression. Master's thesis in clinical psychology, Tehran Psychiatric Institute. [Persian].
- Palahang, H., Neshatdoost, H.T., & Molavi, H. (2009). 6HEXACO-PI-R personality questionnaire Standardization factor in Iranian students. *Psychology Journal of Tabriz University*,16,48-66. [Persian].
- Peterson, C., & Seligman, M.E. (1984). Causal explanations as a risk factor for depression: Theory and evidence. *Psychol Rev*, 91(3):347.
  
- Peterson, C., & Seligman, M. E. P. (1987). Explanatory style and illness. *Personality and physical health. Journal of Journal of Personality and Social Psychology*, 64, 131-140.
- Poropat , A. (2002). The relationship between attributional style, gender and the Five-Factor Model of personality. *Pers Individ Diff*. 33(7): 185-201.
- Rio, J. M. (1996). *Motivation and excitement*. Translation Yahya Syed Mohammad (2007), Tehran: Publication Nashr.
- Schultz, D. (1920). *Personality theory*. Translation Yousef Karimi, Tehran: Arasbaran
- Soleimaninejad, N. (2002). Relationship between attribution style and academic achievement in third year high school girls and boys. Master's thesis in General Psychology. Faculty of Education and psychology, Tehran University. [Persian].
- Taghilou, S., Salehi, M., Koushki, Sh., Mansobifar, M., & Sabet, M., (2010). Model of relationships between personality traits, problem solving, social and mental well-being. *Proceedings of the Third Congress of the Nasir's psyche*. 218. [Persian].
- Terry, D. (1994). Determinants of coping the role of stable and situational factor. *Journal of Personality and social Psychology*:66,895-910.

- Veselka, L., Schermer, J. A., & Vernon, P. A. (2012). Beyond the big five: The dark triad and the supernumerary personality inventory. *Twin Research and Human Genetics*, 14(2), 158–168.
- Williams, D. G. (1993). Are personality effects upon average mood due to personality effects upon mood variation, *Personality and Individual Differences*, *Journal of Personality and social Psychology*, 14(1), 199-208.
- Yazdan Bakhsh, K. (2014). Review and Comparison Of Attributional Style Of Depressed, Anxious, And Normal. Tehran: Allameh Tabatabai University;18,47-55. [Persian].
- Zuckerman, M. (1994). Behavioral Expressions and Biosocial Bases of Sensation Seeking. New York: Cambridge University Press, 15(3),87-110.



